**Quran and Hadith Studies** علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/ Vol. 55, No. 1: Issue 110, Spring & summer 2023, p.183-198

Online ISSN: 2538-4198 Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 12-09-2022 Revise Date: 16-01-2023 Accept Date: 13-02-2023

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.78777.1385 Article type: Original

# Analyzing One of the Causes of the Conflict between Narrations; Pure Imams' Different Answers to the Same Questions of Shiites

**Sayyid Masoud Mortazavi**

Ph.D. student, Ferdowsi University of Mashhad

**Dr. Mohammad Javad Enayatirad (Corresponding author)**, Assistant professor, Ferdowsi University of Mashhad

Email: enayati-m@um.ac.ir

**Dr. Sayyid Mahmud Tabatabayi,** Assistant professor, Ferdowsi University of Mashhad

**Abstract**

Hadith and Sunnah have been affected by much damage. One of the most important of them is the difference and conflict between narrations. The approach of *Ahl al-Bayt* (the household of the prophet) (AS) in creating conflict between the Shiites is one of the neglected and less discussed causes of the conflict between the hadiths. The Pure Imams' different answers to the same questions and adopting such an approach by them is effective in removing theological doubts. Also, it acquaints us with the Infallible status in using figures of speech. Differently answering of the Pure Imams have been referred to in several narrations and their companions have considered it difficult to believe or accept. This paper aims to mention some usages of this approach in jurisprudence and revealed rules. Also, it considers the fundamentals and innovations of *Mīrzā Mahdī Iṣfihānī* and *Ayatollah Sayyid Alī Sīstānī.* These two traditionist jurists have explained several reasons for this issue and considered its nature different from *Taqīya* (the conformity with the Sunnites). Also, by criticizing and analyzing other scholars' views, they have discussed its narrative evidence and examples.

**Keywords**: The cause of the conflict between narrations, Creating conflict between Shiites, Conflict of the evidence, *Taqīya, Ayatollah Sīstānī, Mīrzā Mahdī Iṣfihānī,* Different answers of the Imams

علوم قرآن و حدیث
Quran and Hadith Studies
سال ۵۵ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۱۰ - بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۹۸ - ۱۸۳
HomePage:https://jquran.um.ac.ir/
شاپا چاپی ۹۱۲۰-۲۰۰۸
شاپا الکترونیکی ۴۱۹۸-۲۵۳۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴
نوع مقاله: پژوهشی
DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.78777.1385

# بررسی (صدور جواب‌های گوناگون از ائمه اطهار علیه السلام به سوالات یکسان شیعیان)از اسباب اختلاف حدیث

**سید مسعود مرتضوی**
دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه فردوسی مشهد
**(نویسنده مسئول) دکتر محمدجواد عنایتی راد**
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: enayati-m@um.ac.ir
**دکتر سید محمود طباطبایی**
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

## چکیده

حدیث و سنت با آسیب‌های فراوانی مواجه شده است که یکی از مهمترین آن‌ها پدیدهٔ اختلاف و تعارض روایات است. یکی از اسباب مغفولِ اختلاف احادیث که کمتر بدان پرداخته شده است، رویکرد اهل‌بیت(ع) در اختلاف‌افکنی میان شیعیان است. صدور جواب‌های گوناگون از ائمهٔ اطهار(ع) به سؤالات یکسان شیعیان و حکمت اتخاذ چنین رویکردی توسط اهل‌بیت(ع) در دفع شبهات اعتقادی، مؤثر است و ما را با شئون معصوم در استفاده از ویژگی‌های کلام و سخن آشنا می‌سازد. صدور جواب‌های گوناگون از ائمهٔ اطهار(ع) در روایات متعددی اشاره شده و باور و پذیرش آن برای اصحاب ائمه سخت و دشوار جلوه کرده است. در این نوشتار به برخی از کاربست‌های این رویکرد در فقه و احکام شرعی اشاره و به مبانی و نوآوری‌های میرزا مهدی اصفهانی و آیت‌اللّه سیدعلی سیستانی توجه می‌شود. این دو فقیهِ حدیث‌شناس ضمن تبیین حکمت‌های متعدد این پدیده، آن را دارای ماهیتی متفاوت از تقیه (موافقت با عامه) دانسته و با نقد و تحلیل کلام دیگر اندیشمندان به شواهد روایی و مصادیق آن پرداخته‌اند.

**واژگان کلیدی:** اسباب اختلاف حدیث، اختلاف‌افکنی میان شیعیان، تعارض ادله، تقیه، آیت‌اللّه سیستانی، میرزا مهدی اصفهانی، جواب‌های مختلف امامان.

## تبیین مسئله و پرسش اصلی

پاسخ‌های متعدد و متفاوت به سؤال یکسان توسط ائمهٔ اطهار(ع) چنان مورد تعجب اصحاب امامان(ع) واقع شده است که زراره از اصحاب خاص و درخشان امام صادق(ع) تحمل نشستن بر روی نیزه یا رفتن درون آتش را آسان‌تر و ساده‌تر از شنیدن پاسخ‌های مختلف از امامان(ع) دانسته است (فیض کاشانی، ۲۸۲/۱).

این بحث با عناوین مختلفی ازجمله صدور اجوبهٔ مختلف از ائمهٔ اطهار(ع)، توریه با پاسخ‌های مختلف راجع به پرسش واحد، القای خلاف و اختلاف میان شیعیان و اختلاف میان هم‌کیشان مطرح می‌شود که در این نوشتار از تعبیر اختلاف‌افکنی میان شیعیان توسط اهل‌بیت(ع) استفاده شده است.

در خصوص پدیدهٔ اختلاف‌افکنی میان شیعیان سؤالات مهمی مطرح است؛ ازجمله حکمت اختلاف‌افکنی میان شیعیان در روایات چگونه تبیین شده است؟ اصحاب خاص و مخاطبان امامان(ع) در برابر این اختلاف‌افکنیِ آشکار چه رویکرد و موضعی داشتند؟ آیا اختلاف‌افکنی میان شیعیان نوعی از تقیه (موافقت با عامه) شناخته می‌شود؟ آیا اختلاف‌افکنی میان شیعیان در همه نوع احکام از واجبات و محرمات (احکام مضیق) صورت گرفته یا صرفاً در احکام موسع (مستحبات و مکروهات) تحقق یافته است؟ اختلاف‌افکنی میان شیعیان چگونه توسط فقیهان و اندیشمندان شیعه تحلیل شده است؟

این نوشتار با تأکید بر اندیشه و مبانی میرزامهدی اصفهانی و آیت‌الله سیدعلی سیستانی درصدد واکاوی و پاسخ به سؤالاتِ مذکور است.

همچنین بحث اختلاف‌افکنی در میان شیعیان از ابعاد گوناگون کلامی و فقهی برخوردار است که در این نوشتار در خصوص جنبه‌ها و مصادیق روایی این رویکرد در فقه تمرکز می‌شود.

## اهمیت و ضرورت مسئله

اختلاف‌افکنی میان شیعیان سبب سردرگمی شیعیان و تردید آنان در علم و جایگاه امام می‌شود و علاوه بر ثمرات فقهی، از آثار کلامی و اعتقادی مهمی برخوردار است و فقدان پرداختن به آن سبب پدیدارشدن شبهات کلامی می‌شود (سیستانی، تعارض الأدله، ۲۰۵/۱).

تبیین اسباب جدیدی همچون اختلاف‌افکنی میان شیعیان نیز ما را با شئون دیگر ائمهٔ اطهار(ع) همچون ایفای نقش ایشان به‌عنوان مربی، جایگاه تفویض در تبلیغ و کتمان آشنا می‌سازد.

یکی از اشتباهات رایج یکسان‌پنداری میان رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان، با تقیه (موافقت با عامه) است که غفلت از تمایز میان این رویکرد، خطایی مهم در فهم سیرهٔ ائمه اطهار(ع) در ارتباط با

پدیدهٔ اختلاف احادیث و فهم روایات مرتبط به این مسئله می‌شود.

فقدان توجه به مبانی و نوآوری‌های برخی از عالمان معاصر، ازجمله میرزامهدی اصـفهانی و آیت‌اللـه سیستانی که در مباحث مربوط به اسباب اختلاف و کتمان حدیث از امتیـازات علمـی برخوردارنـد، سـبب نگاه حداقلی و غیر جامع به بحث می‌شود، خلائی که این نوشتار درصدد جبران آن است.

## پیشینهٔ پژوهش

در موضوع اختلاف‌افکنی میان شیعیان، به‌صورت مستقل کتاب یا مقاله‌ای تألیف نشده است. محـدث بحرانی در مقدمهٔ کتاب حدائق الناضرة به اختلاف‌افکنی میان شیعیان اشاره کرده است (۵/۱) و پنجره‌ای بر بحث و تحلیل‌های بیشتر در این مسئله گشوده است.

سخنان صاحب حدائق توسط وحید بهبهانی در کتاب الفوائد الحائریـة تحلیـل و بررسـی شـده اسـت (۳۵۳) و شیخ انصاری نیز در کتاب فرائد الأصول به کلام صاحب حدائق و اشکالات بر ایشان می‌پردازد و یکی از راه‌های تحقق تقیه را اختلاف‌افکنی میان شیعیان بیان می‌کند (۱۲۹/۴).

در مقاله‌ای با عنوان «تطور تاریخی راهکارهای تحقق تقیه در سیرهٔ ائمهٔ شیعه»، اثر یحیی میرحسینی و علی باباخانی، ذیل عنوان ایجاد اختلاف در مسائل دینی و افتراق در میان هم‌کیشان به این مسـئله پرداختـه شده است. در مقالهٔ «بازتبیین کارکرد تقیه در روایات امامیه و نقش آن در استنباط»، اثر حسینعلی سـعدی، نویسنده در ضمن بحث راجع به معناشناسی تقیه در بستر روایات و اقوال با اشاره به معنایی اعم از ترس در تحقق تقیه، به بررسی کلام صاحب حدائق می‌پردازد. در کتاب نقش تقیه در استنباط، اثر نعمت‌الله صفری به‌صورت تفصیلی به اشتراط یا عدم‌اشتراط با موافقت عامه در حمل بـر تقیـه و بررسـی مـدعا و ادلـهٔ قـول مشهور و صاحب حدائق می‌پردازد و در پایان، عدم‌اشتراط موافقت با قول عامه در تقیه را نادرست می‌شمرد و روایات ذکرشده توسط محدث بحرانی توجیه می‌کند.

در منابع یادشده، تحلیل رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان به‌خوبی صورت نگرفته است؛ زیرا در این منابع، رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان در ذیل تقیه تعریف شده و نظریهٔ مقابل را بررسی نکرده اسـت و در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها مبانی و نظرات آیت‌الله سیستانی و میرزامهدی اصفهانی طرح و بررسی نشده است.

میرزامهدی اصفهانی در کتاب المواهب السنیة اولین کسی است که با ذکر مصادیق متعـدد روایـی بـه مبحث اختلاف‌افکنی میان شیعیان پرداخته است که در ضمن تبیین مسئله، به وجوه متعدد تمایز میان تقیـه (موافقت با عامه) و اختلاف میان شیعیان اشاره می‌کند (اصفهانی، ۴۱۴تا۴۳۹). آیت‌الله سیستانی نیـز بـا تکمیل مباحث میرزای اصفهانی، علاوه بر ذکر تمایز این دو عامل، به نقد محقق بهبهانی و شـیخ انصـاری

در این خصوص می‌پردازد و بحث را در قالبی جدید ارائه می‌کند (سیستانی، تعارض الأدله، ۳۰۰/۱).

## ۱. اختلاف‌افکنی میان شیعیان در آیینهٔ روایات

### ۱. ۱. اصل تحقق چنین رویکردی توسط معصومان(ع)

در روایات متعددی راجع به اختلاف‌افکنی میان شیعیان توسط ائمهٔ اطهار(ع) سخن به میان آمده است. اصل تحقق چنین رویکردی از سوی ائمهٔ اطهار، امری بدیهی و انکارنشدنی است که با تعابیر مختلفی نقل شده است. معصومان در روایات مختلفی این اقدام را به خود نسبت داده‌اند. این موضوع در روایات گوناگون با تعابیری همچون «أَنَا فَعَلْتُ ذَلِکَ بِکُمْ» (ابن‌بابویه، ۳۹۵/۲)، «انَا أَمَرْتُهُمْ بِهَذَا» (طوسی، ۱۴۰۷، ۳۵۲/۲)، «انا خالفت بینهم» (بحرانی، ۷/۱ ) و «أَمَرْتُکَ بِهِ وَ أَتَاکَ أَبُو بَصِیرٍ بِخِلَافِ الَّذِی أَمَرْنَاکَ» (کشی، ۱۳۸) انعکاس یافته است.

### ۱. ۲. شواهد روایی و کارکردهای آن در فقه

با نگاهی به مجموعهٔ روایات، اختلاف‌افکنی میان شیعیان در مصادیق و احکام مختلفی تحقق یافته است؛ ازجمله به کیفیت حج تمتع و تعداد رکعات نماز واجب و نوافل آن در روایت عبدالله‌بن‌زراره (کشی، ۱۳۸) و روایت بزنطی (کلینی، ۴۴۴)، افطار و عدم‌افطار در روزهٔ مستحبی روز عرفه (نوری، ۵۲۸/۷)، وقوع یا عدم‌وقوع طلاق سه‌گانه در مجلس واحد (حر عاملی، ۷۰/۲۲؛ حلی، ۲۷۲/۱؛ طوسی، ۵۴/۸)، اختلاف در مواقیت حج (بحرانی، ۷/۱ ) )، وقت نماز ظهر و عصر (مجلسی، ۲۵۲/۲) می‌توان اشاره کرد.

از امتیازات آیت‌الله سیستانی و میرزامهدی اصفهانی بر محدث بحرانی در این موضوع، طرح و بررسی روایات متعدد مربوط به آن است.

### ۱. ۳. حکمت‌ها و علل مطرح‌شده در روایات و سخن اندیشمندان

در میان روایات اهل بیت، حکمت‌ها و عللی برای رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان بیان شده است؛ ازجمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. بیان وجوه و راهکارهای متعدد در احکام موسعه با تعبیر «مِنَ الْأَشْیَاءِ أَشْیَاءُ مُوَسَّعَةٌ تَجْرِی عَلَی وُجُوهٍ کَثِیرَةٍ» (برقی، ۳۰۰/۲).

۲. ایجاد اختیار و توسعه برای مکلفان با تعبیر «وَ لَوِ اجْتَمَعْنَا عَلَی شَیْءٍ مَا وَسِعَکُمْ غَیْرُه» (نوری، ۵۲۸/۷).

۳. دفاع و حفاظت از شیعیان با تعبیر «فَلْیَعْلَمْ أَنَّ ذَلِکَ دِفَاعٌ مِنَّا عَنْهُ» (کلینی، ۶۶/۱)، دفع شر مخالفان با بدگویی از شیعیان در انظار عامه با تعبیر «إنما أعیبک دفاعاً منی عنک فإن الناس و العدو یسارعون إلی

کل من قرّبناه» (حر عاملی، ۳۷۳/۳۰)، ابقا و حفظ تشیع و شیعیان با تعبیر «إِنَّ هَذَا خَيْرٌ لَنَا وَ أَبْقَى لَنَا وَ لَكُم» (کلینی، ۶۵/۱)، دورماندن از قصد، اذیت و آزار عامه (اهل‌سنت) با تعبیر «وَ لَوِ اجْتَمَعْتُمْ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ لَقَصَدَكُمُ النَّاس» (ابن‌بابویه، علل الشرائع، ۳۹۵/۲)، ممانعت از شناخته‌شدن شیعیان با تعبیر «لَوْ صَلَّوْا فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ لَعُرِفُوا» (مجلسی، ۲۵۲/۲).

٤. امکان‌نداشتن تبیین واقع و حقیقت با تعبیر «وَ لَوْ أَذِنَ لَنَا لَعَلِمْتُمْ أَنَّ الْحَقَّ فِي الَّذِي أَمَرْنَاكُمْ بِه» (کشی، ۱۳۹).

۵. انجام شئون نبی اکرم به‌جز نبوت توسط ائمۀ اطهار، همچون تربیت نفوس و... در پی تفویض امر به ایشان با تعبیر «فَمَا فَوَّضَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ(ص) فَوَّضَ إِلَيْنَا» (صفار، ۳۸۵/۱).

آیت‌الله سیستانی دو حکمت برای القای اختلاف میان شیعیان توسط معصومان بیان کرده است. نخست، ناشناس‌ماندن شیعیان در چشم حکومت و دشمنان در اثر ناهمگونی رفتارهای شرعی (سیستانی، تعارض الأدله، ۲۹۳/۱) و دوم، شکل‌گیری اختلاف عمیق، فراتر از تقیه است تا باوری کاذب در میان عامه ایجاد شود بر اینکه نظرات مختلف و مخالف اهل‌سنت، ناشی از اختلاف میان عموم شیعیان است و ارتباطی با شخص امام ندارد. بدین سبب علاوه بر حفظ جان و مال شیعیان و امام، جایگاه ائمه نیز در میان اهل‌سنت و حاکمان حفظ و تقویت شود. ثمرۀ این رفتار آن است که باوجودِ آنکه اهل‌سنت به‌سبب کوچک‌ترین سببی راویان را جرح می‌کنند، جایگاه، احترام و اعتبار امام صادق و امام باقر(ع) در میان آنان همواره محفوظ بوده است (همو، همان، ۳۰۱/۱). بر این ادعا شواهدی از رجال کشی (کشی، ۳۲۴)، تهذیب التهذیب (عسقلانی، ۸۸/۲) و کتب اهل‌سنت معاصر (ابوزهره، ۲۵۵) دلالت می‌کند.

صاحب حدائق نقل‌های متهافت شیعیان را سبب وهن و سخیف‌شدن مذهب شیعه در نگاه اهل‌سنت می‌داند تا به شیعیان نسبت جهل و بی‌دینی دهند و بدین وسیله از تشدید بغض و کینۀ آنان در خصوص شیعیان و امام شیعیان جلوگیری شود (بحرانی، ۶/۱). گویا آیت‌الله سیستانی در تصویر حکمت دوم، همین رأی صاحب حدائق را توسعه داده است. به‌تعبیر دیگر، این امر سبب می‌شد که شیعه به‌عنوان فرقه‌ای متحد و دارای برنامه و هدفمند قلمداد نشود و از تعرض در امان ماند (سعدی، ۳۷).

میرزامهدی اصفهانی در بررسی حکمتِ اختلاف‌افکنی، تحلیلی دیگر ارائه می‌دهد (اصفهانی، ۴۲۶). او معتقد است بر اساس روایاتی که پیامبر اکرم(ص) و ائمۀ اطهار(ع) را مربی و سیاست‌گذار جامعۀ اسلامی معرفی می‌کند (مجلسی، ۳۳۹/۲۵)، می‌بایست مهم‌ترین حکمت اختلاف‌افکنی میان شیعیان در تفویض احکام و معارف به ایشان و انگیزۀ سوق شیعیان به کمال جست‌وجو شود. اما تبیین آن برای عموم و بیان امکان کتمان برخی از حقایق و احکام توسط ائمۀ اطهار به‌نوعی نقض غرض به شمار

می‌رفته است، لذا حکمت و علت آن در قالب حفظ شیعیان از خطرات بیان شده است (اصفهانی، ۴۲۶تا۴۲۷).

برخی نیز اختلاف‌افکنی میان شیعیان را راهبرد ائمهٔ معصوم(ع) در تعیین افراد شاخص و ارجاع شیعیان به اصحابِ برگزیده دانسته‌اند؛ برای مثال، فیض‌بن‌مختار از اختلاف میان شیعیان کوفه شکایت کرد و امام زرارةبن‌اعین را برای حل اختلاف معرفی فرمود (میرحسینی و باباخانی، ۱۷۰).

## ۲. تمایز اختلاف‌افکنی میان شیعیان و پدیدهٔ تقیه (موافقت با عامه)

میان تقیه و موافقت با عامه سه دیدگاه وجود دارد:

أ. وجود قول مذهب یا خبری از عامه برای تحقق تقیه لازم است و تقیه به روش دیگری محقق نمی‌شود. این نظر دیدگاه مشهور است و صاحبان کتب روایی؛ همانند تهذیب، استبصار، وسائل الشیعة به آن قائل هستند (صفری، ٤١٥).

ب. در تقیه، موافقت با عامه شرط نیست و رابطهٔ میان تقیه و موافقت با عامه رابطهٔ عام‌وخاص مطلق است؛ بدین معنا که هر جایی که موافقت عامه باشد، تقیه است، اما در برخی موارد تقیه هست ولی موافقت با عامه نیست. این دیدگاه مربوط به صاحب حدائق (٥/١تا١٤) و صاحب‌جواهر (٦/٣) است.

از منظر محدث بحرانی، تقیه به‌معنای موافقت با عامه با اختلاف‌افکنیِ میان شیعیان یکسان نیست و در آن وجود قول موافق عامه و حضور دشمنان شرط نیست (بحرانی، ۵/۱تا۶).

اگر این اشکال مطرح شود که صاحب حدائق از اختلاف‌افکنیِ میان شیعیان با عنوان تقیه یاد کرده است و ظهور تقیه در موافقت با عامه است، چنین پاسخ داده می‌شود که تعبیر از تقیه که به‌صورت متعدد در مقدمهٔ اول حدائق تکرار شده است به‌معنای موافقت با عامه نیست؛ بلکه وی با توسعه در معنای تقیه، آن را به‌صورت عام مطرح کرده است تا شامل هر نوع احتیاط و حذر به‌منظور حفظ شیعیان از گزند عامه شود (سعدی، ۳۷).

براین‌اساس، نقدهای متعدد برخی از پژوهشگران (صفری، ۴۲۲تا۴۲۸) به صاحب حدائق و تلاش برای برقراری ارتباط میان روایات اختلاف‌افکنیِ میان شیعیان و بحث تقیه به‌معنای موافقت با عامه اشتباه است و اساساً گفتار صاحب حدائق ارتباطی به بحث تقیهٔ مصطلح ندارد.

ج. بر اساس این دیدگاه، اختلاف‌افکنی میان شیعیان از مصادیق کتمان است و ارتباطی با تقیه ندارد. آیت‌الله سیستانی و میرزامهدی اصفهانی در ضمن امکان تحقق تقیه در میان شیعیان (سیستانی، بحوث فی مناسک الحج، ۵۱۳/۱۸) و عدم‌اشتراط موافقت با عامه، اختلاف میان شیعیان را از طرق تحقق تقیه

نمی‌داند (سیستانی، تعارض الأدلة، ۲۹۳/۱ و ۲۹۷ و ۳۰۰).

نقطهٔ مشترک میان قول دوم و سوم این است که تقیه به‌معنای موافقت با عامه قطعاً با اختلاف‌افکنی میان شیعیان متفاوت است و آنچه به‌عنوان مرجح در روایات متعارض ذکر شده است همان تقیه مصطلح (موافقت و مخالفت با عامه) است.

شواهدی بر اختلاف میان تقیه و اختلاف‌افکنی میان شیعیان دلالت می‌کند:

۱. در روایت بزنطی (کلینی، ۴۴۴/۳) است که در مسئلهٔ نوافل یومیه، اختلاف شیعیان را میان ۵۰ رکعت و ٤٤ رکعت معرفی می‌کند، درحالی‌که قول اهل‌سنت با هر دو قول مذکور مخالف است (سیستانی، تعارض الأدلة، ۲۹۷/۱)، زیرا احمدبن‌حنبل تعداد نوافل به‌استثنای نماز شب را ۱۰ رکعت، شافعی ۸ رکعت و ابوحنیفه رکعات نوافل را بیش از ۵۰ رکعت می‌داند (ابن‌قدامه، ۷۹۸/۱).

۲. یکی از شواهد تغایر تقیه و اختلاف‌افکنیِ میان شیعیان، تعابیر مطرح‌شده در روایات و عکس‌العمل راویان در قبال مشاهدهٔ اختلاف احادیث است (اصفهانی، ۴۳۴)، چنان‌که تعابیری چون «فزعت من ذلک» و «عظم علی» (مجلسی، ۲۴۱/۲)، «اظلم علَیَّ البیت» (حر عاملی، ۷۰/۲۲)، «فازددت غما حتی کدت ان اکفر» (حلی، ۲۶۵) از موسی‌بن‌اشیم نقل شده است. زراره، صحابی باعظمت امام صادق(ع) از این قضیه تعجب فراوان و حتی اعتراض می‌کند (مجلسی، ۲۳۶/۲). این در حالی است که استفاده از پدیدهٔ تقیه در میان همهٔ اصحاب و حتی تودهٔ مردم امری معروف و شناخته‌شده است و قضیهٔ تقیهٔ عمار در صدر اسلام نیز گوش به گوش رسیده است. این تردید و انکار اصحاب در کنار مشهوربودن امر تقیه، مؤیدی است بر آنکه اختلاف احادیث صرفاً به‌سبب تقیه نبوده است و نحو دیگری از آن، سرچشمه در اختلاف‌افکنی میان شیعیان دارد (اصفهانی، ۴۳۴).

۳. دیگر شاهد (اصفهانی، ۴۳۳) در روایت عبدالاعلی (مجلسی، ۱۹۷/۲)، امام صادق(ع) به افراد مختلف راجع به یک مسئله پاسخ‌های متفاوت ارائه کردند و در پاسخ از استیحاش عبدالاعلی، این رویکرد خود را منحصر به احکام موسع دانستند و استفاده از آن را در احکام مضیق انکار کردند، درحالی‌که استخدام تقیه منحصر به احکام موسع نیست و در احکام مضیق نیز جریان دارد و آنچه منحصر در احکام موسع است رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان است.

٤. در برخی از روایات (همان، ۲۳۴/۲)، بیان دو حکم متفاوت به نبی اکرم نسبت داده شده است؛ درحالی‌که یکی از مسلّمات آن است که تقیه دربارهٔ پیامبر اکرم(ص) معنایی ندارد؛ این مؤیدی بر تمایز اساسی میان این دو رویکرد است (اصفهانی، ۴۳۴).

۵. در روایات ائمهٔ اطهار(ع) در توضیح اختلاف احادیث نیز تعابیری همچون «أنتم أفقه النّاس إذا

عرفتم معانی کلامنا» و «فَلَوْ شَاءَ إِنْسَانٌ لَصَرَفَ كَلَامَهُ كَيْفَ شَاءَ» (ابن‌بابویه، معانی الاخبار، ۱) آمده است که ارتباطی با تقیه ندارد (اصفهانی، ۳۴۳). این تعابیر، تغایر تقیه و اختلاف‌افکنی را تأیید می‌کنند.

وجوه تمایز میان تقیه و القای اختلاف میان شیعیان در نکات ذیل خلاصه می‌شود:

۱. القای اختلاف میان شیعیان فقط در احکام موسعه صورت می‌گیرد، اما تقیه هم در احکام موسعه و هم مضیقه جاری است (سیستانی، تعارض الأدلة، ۲۹۳/۱). احکام موسعه به احکامی گفته می‌شود که مشتمل بر جهت توسعه و ترخیص‌اند؛ ازجمله مستحبات، مکروهات، واجبات تخییری، و واجبات تعیینی که دارای افراد طولی در اتیان هستند (همو، همان، ۴۱۱/۱)؛ بدین معنا که اختلاف‌افکنیِ میان شیعیان هیچ‌گاه مستلزم ترخیص در فعل محرم و ترک واجب نخواهد بود که در روایات بر این مسئله تأکید شده است (مجلسی، ۲۳۳/۲؛ ۲۴۶/۲).

۲. احکام تقیه‌ای موقت به زمان خاصی هستند و پس از رفع موانع و اسباب کتمان، حکم واقعی تبیین می‌شود (سیستانی، تعارض الأدلة، ۳۰۵/۱). نمونهٔ بارز آن، حکم تقیه‌ای به جواز شکار به‌وسیلهٔ باز در زمان امام باقر(ع) است که در دوران امام صادق(ع) حکم واقعی آن، یعنی حرمت تبیین شد (حر عاملی، ۲۲۰/۱۶). اما در القای اختلاف میان شیعیان باتوجه‌به وجود دائمی حکمت و به‌منظور واقعی جلوه‌نمودن اختلاف، این اختلافات در زمان‌های بعد و توسط امامان دیگر رفع نشد؛ بلکه حتی در برخی از احکام موسعه اختلاف میان شیعیان توسط امامان تجویز شد (طوسی، ۶/۲).

۳. از منظر میرزامهدی اصفهانی، تقیه مخصوص حفظ جان مخاطب یا سؤال‌کننده راجع به خطری است که از او اطلاع ندارد و در تقیه حفظ نوع و عموم شیعه مدِّنظر نیست، اما در اختلاف‌افکنیِ میان شیعیان، حفظ عموم شیعیان مدِّنظر است (اصفهانی، ۴۲۹). تمایز ذکرشده توسط میرزامهدی اصفهانی را آیت‌الله سیستانی نپذیرفتند (سیستانی، تعارض الأدلة، ۳۰۶/۱). ایشان در بیان مصادیق حفظ جان به‌سبب تقیه، به تقیه برای حفظ جان عموم شیعه اشاره کرده است، چنان‌که روایاتی نیز نظر وی را تأیید می‌کند (کلینی، ۷/۸).

## ۳. سیر تطور برداشت‌های دانشمندان دربارهٔ پدیدهٔ اختلاف‌افکنی میان شیعیان

### ۳. ۱. محدث بحرانی در *الحدائق الناضرة*

محدث بحرانی در کتاب الحدائق الناظرة، راجع به اختلاف‌افکنی میان شیعیان توسط اهل بیت(ع) و حکمت پاسخ‌های مختلف و متعدد به شیعیان، در مقدمهٔ اول ضمن جملاتی در خصوص اصل ضرورت تقیه و شرایط سخت و دشواری که ائمهٔ اطهار(ع) و شیعیان در آن زندگی می‌کردند، چنین بیان می‌کند:

«فقط تعداد کمی از احکام دین به‌صورت یقینی دانسته می‌شود، زیرا روایات بـا تقیـه قـرین شـده اسـت» (بحرانی، ۵/۱).

بر اساس مجاهدت علمی و قبول رنج بسیار و زحمت فراوان توسط قدمای از اصحاب، فقها و محدثان نیز روایات دروغ، دس و مجعول از تراث حدیثی شیعه پاک‌سازی و تنقیح شده است. ضبط دقیق احادیـث، عرضهٔ کتب حدیثی و روایات بر ائمهٔ اطهار(ع)، اساتید و دیگر اصحاب، معرفـی افـراد دروغگـو و جاعـل توسط ائمه(ع) و طرد عملی این افراد از جایگاه تأثیرگذاری در جامعهٔ شیعه از عواملی است که بـر تنقـیح و پالایش روایات دلالت دارد. درنتیجه، روایات متعارض و مختلف از ائمهٔ اطهار(ع) ناشی از جعل احادیث نیست و علت چنین تعارض و اختلاف‌نمایی باید در امر دیگری جست‌وجو شود (بحرانی، ۸/۱).

محدث بحرانی از شش روایت به‌عنوان دلیل و شاهد بر رویکرد اختلاف‌افکنی میـان شـیعیان اسـتفاده کرده و آن را مقدمهٔ دوم کلام خویش قرار داده است و در واقع فلسفه و چرایی تعارض و اختلاف احادیث را در صدور جواب‌های گوناگون از ائمهٔ اطهار(ع) به سؤالات یکسـان شـیعیان بازنمـایی می‌کنـد (انصـاری، ۱۲۸/۴).

از منظر صاحب حدائق ترجیح میان روایات متعارض ابتدا به‌وسیلهٔ عرض بر محتـوای کتـاب صـورت می‌پذیرد و پس از آن مهم‌ترین و قوی‌ترین ترجیح، ترجیح به‌وسیلهٔ حمل بر تقیه است؛ زیرا اکثر، بلکه همهٔ اختلافات به‌نوعی از تقیه نشئت می‌گیرد (بحرانی، ۸/۱). وی معتقـد اسـت رویکـرد اختلاف‌افکنـی میـان شیعیان با جست‌وجو در میان سیره، آثار، قصص و روایات اهل‌بیت(ع) با هدف محافظت از جان خویش و شیعیان به‌وضوح فهمیدنی است (همو، ۵/۱).

### ۳. ۲. وحید بهبهانی در *الفوائد الحائریة*

گفتار صاحب حدائق توسط محمدباقر وحید بهبهانی، عالم معاصـر ایشـان نقـد شـده اسـت. ادعـای اصلی وحید بهبهانی، انحصار تقیه در موافقت با مذهب عامه است. وی نظریهٔ محـدث بحرانـی راجـع بـه عدم‌اشتراط تقیه به موافقت با عامه را رد می‌کند و اختلاف‌افکنی میان شیعیان را به‌عنوان عامل مستقل قبـول ندارد، بلکه آن را صرفاً در ضمن تقیهٔ مصطلح (موافقت با عامه) صحیح می‌داند (بهبهانی، ۳۵۴).

اشکال نخست وحید بهبهانی آن است که بر اساس اخبار علاجیه، رشد و صلاح در روایات مخالف با عامه است. پس اگر دو خبر هم‌زمان مخالف با عامه باشند، وجهی برای حمل یکی از آن دو بر تقیه و طرح آن وجود ندارد (همو، ۳۵۴).

اشکال دوم وحید بهبهانی بر محدث بحرانی آن است که رویکرد اختلاف‌افکنیِ میـان شـیعیان کمکـی به حفظ شیعیان و دورکردن آنان از اذیت و اتهام نمی‌کند و آنچه سبب دفع خطر است، صرفاً تقیه و موافقت

با عامه است. وی با تحلیلی تـاریخی و ارائـهٔ شـواهدی معتقـد اسـت کـه باتوجه‌بـه رویکـرد اتهـام‌پراکنی اهل‌سنت، امکان ندارد که شیعیان بدون لحاظ موافقت با عامه و صرفاً با اختلاف میان خود، از آزار و اتهام اهل‌سنت در امان باشند؛ چنان‌که شیعیان در طول اعصـار و قـرون متمـادی مـورد اتهـام و آزار عامـه قـرار گرفته‌اند و به کوچک‌ترین مناسبتی با نسبت رفض و خـروج از دیـن مواجـه شـده‌اند. بـه عقیـدهٔ بهبهـانی، اهل‌سنت عموماً تصویر صحیحی از احکام و معتقدات شیعه نداشته است و هرآنچـه مخـالف بـا مـذهب خود بوده است را به شیعه منتسب کرده است و آن را دستمایهٔ اقدام بر علیه شیعیان می‌کرده است.

در کلام محقق بهبهانی اشکالات دیگری نیز مطرح شده است؛ ازجمله راهکار موافقت با عامه آسان‌تر و مؤثرتر از اختلاف‌افکنی میان شیعیان است و نباید از این راهکـار عـدول شـود یـا درصـورتی‌که دو خبـر مخالف با اهل‌سنت باشد، مرجحِ مخالفت با عامه لغو است که بیان تفصیلی این اشکالات در این مختصر نمی‌گنجد (همو، ۳۵۵).

### ۳. ۳. شیخ انصاری در *فرائد الأصول*

شیخ انصاری در مباحث مربوط به تعادل و تراجیح به کلام صاحب حدائق پرداختـه اسـت. از برکـات ورود شیخ انصاری به این مسئله، تقویت کمی و کیفـی بحـث از ایـن مسـئله در شـروح و تعلیقـات فرائـد الأصول است.

وی به نقدهای ذکرشده در کلام وحید بهبهانی تردید می‌کند، اگرچه خود نقـدهایی بـر کـلام محـدث بحرانی وارد می‌کند.

اختلاف عملکرد توسط شیعیان در فروع و اتحاد ایشان در اصول می‌تواند سـبب دفـع خطـر از ایشـان شود و ثبوتاً این روش معقول است، اما در خارج و مقام اثبات فقط به‌صورت نادر رخ داده است و نمی‌تواند رویکردی عام در رفتار اهل‌بیت(ع) محسوب شود (انصاری، ۱۲۹/۴).

گویا شیخ انصاری قدر متیقن از مصلحتی که مقتضای تجویز بیان خلاف واقع است را تقیه (به‌صورت ابراز نظر موافق با عامه) می‌داند و تعدی از این روش را هرچند ممکن است، اما خلاف اصـل و نـادرالوقوع می‌پندارد (تبریزی، ۶۲۸).

شیخ انصاری به نقد روایاتی که توسط صاحب حدائق بیان شده است ورود نمی‌کند و صـرفاً بـا تعبیـر «أخبار تخیلها دالّة علی مدّعاه» آن‌ها را در اثبـات مـدعای بحرانـی ناکارآمـد معرفـی می‌کنـد (انصـاری، ۱۲۸/۴).

سخن شیخ انصاری را نقد و بررسی شده است (سیستانی، تعارض الأدله، ۳۰۰/۱،۳۰۱):

أ. شیعیان و مخاطبان اهل‌بیت(ع) دارای گونه‌های مختلف فکـر و اسـتعداد و قابلیت‌هـای متفـاوت در

دریافت معارف و احکام‌اند. در میان مخاطبان آنان، خواص و اصحاب درخشانی همچون زراره و محمدبن‌مسلم وجود دارند. چنان‌که برخی اصحاب آنان، حتی در حفظ اسرار اهل‌بیت(ع) عاجز بوده‌اند. عده‌ای از مخاطبان نیز توده‌هایی از عوام شامل زنان بی‌اطلاع، افراد غافل در خصوص مناسک، تکلیف و شریعت و حتی کودکان بوده‌اند.

لزوم حفظ دین و کیان مذهب از آزار و اذیت‌های عامه توسط خواص اصحاب رعایت و تأکید شده است و به همین دلیل، مراعات تقیه و اظهار موافقت با عامه از آنان مورد انتظار و توقع است. اما دیگر اصناف مخاطبان اهل بیت چنین توجهی نداشته‌اند و باتوجه‌به استعداد و قابلیت گروه‌های نام‌برده، این انتظار که پیوسته مراقب سخن خود باشند و عملشان به‌خلاف معتقداتشان بر وفق عامه جریان یابد، انتظاری فوق حد توانایی آنان است. پس گفتار شیخ انصاری در این خصوص صحیح نیست.

ب. گروهی از شیعه‌نمایان، خود را در میان صفوف و تودهٔ شیعه داخل کرده‌اند، درحالی‌که التزامی به معتقدات شیعه نداشتند. بدیهی است که به‌دلیل عدم‌التزام به این معتقدات، استفاده از رویکرد تقیه در مقابل اهل‌سنت بر آنان مؤثر واقع نمی‌شده است.

ج. ممکن است تقیه و موافقت با عامه در احکام و مسائل، سبب حفظ جان برخی از اصحاب در مقابل اهل‌سنت شود و آنان متوجه کتمان واقع توسط شیعیان نشوند، اما سلطه و دستگاه اطلاعاتی حاکمیت و اشرافِ دقیق بر رفتار، منش، مناسک و رویکرد شیعیان به‌خوبی قادر بر تشخیص کتمان حقیقت و تقیه بوده است و درنتیجه، تقیه نمی‌توانسته است به‌تنهایی ثمره‌بخش واقع شود.

بنابراین، حفظ جان نوع و عموم شیعیان اقتضا می‌کند که اختلافی به‌صورت واقعی میان شیعیان ایجاد شود، به‌طوری‌که هریک از شیعیان با یکی از پاسخ‌های متعدد امامان(ع) روبه‌رو شود و بدان عمل کند و احتمال دیگری جز آن ندهد. رویکرد شیعیان باید به‌گونه‌ای باشد که حتی در صورت یقین به فقدان شرایط تقیه و نظارت دشمنان، رفتار خود را تغییر ندهند؛ چراکه تشخیص مواضع تقیه از توانایی عموم مردم خارج بوده است. به تعبیر دیگر، مقصود نهایی آیت‌الله سیستانی این است که تقیه در حفظ جان اشخاص مؤثر است، اما مصالحی همچون ضرورت حفظ عموم شیعیان و مکانت علمی امامان و عدم‌انتساب این اختلافات به ایشان، گفتار محدث بحرانی در تحلیل روایات اختلاف اجوبهٔ اهل بیت(ع) را تأیید می‌کند.

د. شیخ انصاری در بخشی از عبارت خود اظهار می‌دارد که شیعه حتی اگر در عمل مختلف باشند اما در مخالفت با اهل‌سنت متحد هستند (انصاری، ۱۲۹/۴)، دلیلی بر این ادعا وجود ندارد. گویا شیخ انصاری اقوال عامه و مذاهب را منحصر در مذاهب اربعه فرض کرده است؛ درحالی‌که بر اساس شواهد تاریخی و اقرار کتب اهل‌سنت (شافعی، ۲۸۰/۷)، انحصار مذاهب پدیده‌ای متأخر است که به‌صورت

تدریجی شکل گرفته است. پس در زمان صدور روایات از ائمهٔ اطهار(ع)، علمای اهل‌سنت، متعدد و اقوال آنان گوناگون بوده است، درحدی که قول برخی از علما، معروف‌تر و قوی‌تر از رؤسای مذاهب اربعه پنداشته شده است، چنان‌که حتی در مدینهٔ منوره علمای متعددی علاوه بر مالک، به‌عنوان صاحب رأی و نظر مطرح بوده‌اند.

## ۴. تحلیل، بررسی سیر تطور دیدگاه‌ها

پیرامون اشکالات مطرح‌شده توسط محقق بهبهانی نکات ذیل مدِّنظر است:

۱. راجع به اشکال نخست، در روایت عمربن‌حنظله که مورد استدلال وحید بهبهانی قرار گرفته است، تعبیر «ما خالف العامه ففیه الرشاد» (کلینی، ۶۷/۱) مطرح شده است؛ اما این حکمت در موردی بیان شده است که در میان دو روایت متعارض، یکی موافق و دیگری مخالف با عامه باشد. پس اگر هر دو خبر مخالف با عامه باشند، این حکمت تطبیق‌شدنی نیست. پس بر خلافِ برداشت وی نمی‌توان در میان دو روایت متعارض و مخالف با عامه، هر دو را صواب پنداشت (سعدی، ۱۷).

محدث بحرانی در تعارض دو خبر مخالف با عامه به سایر مرجحات عمل می‌کند و از مرجح مخالفت با عامه بهره نمی‌برد. کاربست این مرجح در موردی که هر دو روایت متعارض، مخالف با عامه باشند، اول کلام و محل نقد است. علاوه بر آنکه بیان این مرجح در روایات، به‌هیچ‌عنوان رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان به‌دلیل مصلحت اقویٰ را نفی نمی‌کند (تبریزی، ۶۲۸)، برخی اندیشمندان نیز در تأیید رویکرد محدث بحرانی و نقد وحید بهبهانی، در صورت مخالفت هر دو روایت با عامه، مرجح مخالف را ناکارآمد می‌دانند و اخذ به دیگر قرائن را مؤثر می‌دانند (حکیم، ۴۳۴/۶).

محقق بهبهانی در اشکال نخست و چهارم بر محدث بحرانی، مقام ترجیح بین دو روایت (مرجح مخالفت و موافقت با عامه) را دستاویز اشکالات به صاحب حدائق قرار داده است و در موردی که هر دو خبر مخالف با اهل‌سنت باشد، مرجح نامبرده را بی‌فایده و لغو می‌داند (بهبهانی، ۳۵۶)، درحالی‌که محدث بحرانی درصدد بیان انحای مختلف حصول تقیه ازجمله اختلاف‌افکنی میان شیعیان بوده است و کلام ایشان ارتباطی با ترجیح میان دو خبر ندارد.

۲. در پاسخ به اشکال دوم می‌توان گفت: محدث بحرانی معتقد است اختلاف عملی میان شیعیان منجر به وهن و سخافت مذهب شیعه در نزد اهل‌سنت می‌شود و همین نکته سبب می‌شود تا آنان این اختلاف را به خود افراد شیعه نسبت دهند و آن را منتسب به مذهب و گفتار امامان شیعه نگردانند و همین نکته دلیل دفع شر و اذیت آنان می‌شده است (بحرانی، ۶/۱).

بدیهی است که ایجاد آزار و مزاحمت و اتهام‌پراکنی عامه راجع به شیعیان و پیروان مکتب اهل‌بیت، در گونه‌های مختلف فقهی، اجتماعی و سیاسی باوجودِ رویکردهای پیشگیرانهٔ ائمهٔ اطهار(ع) حتی رویکرد تقیه و اظهار موافقت با عامه، همواره بوده و خواهد بود و راهی برای تعطیلی کلی چنین رفتاری وجود ندارد؛ پس سخن در کاهش و به‌حداقل‌رساندن آن است.

باید توجه داشت که اتهام‌پراکنی عامه نیز سبب نمی‌شود که ائمهٔ اطهار(ع) از مصلحت اهمی که با اختلاف‌افکنی میان شیعیان (اگرچه با اظهار دو نظر مخالف اهل‌سنت) حاصل می‌شود، دست کشند و از آن بهره نبرند (تبریزی، ۶۲۸). پس می‌توان گفت دلیل محقق بهبهانی اخص از مدعاست (تبریزی، ۶۲۸).

راجع به کلام شیخ انصاری نیز علاوه بر نقدها و اشکالاتی که بدان اشاره رفت باید گفت: دلیلی بر انحصار روش اهل‌بیت(ع) برای دفع خوف و ضرر از شیعیان در تقیه به‌معنای موافقت با عامه وجود ندارد. مصلحت عدم‌بیان واقع، منحصر در تقیه نیست، بلکه اسباب مختلفی برای کتمان وجود دارد؛ ازجمله توریه، سوق به کمال و تربیت مخاطب، تفویض امر به اهل بیت و سکوت در مقابل پرسش مخاطب. این رویکردها، هویت و حقیقتی غیر از تقیه دارد و گاه به‌سبب مصلحت و رعایت شئون واگذارشده به ائمه(ع)، پیروی از آن‌ها لازم می‌شود.

## نتیجه‌گیری

در این نوشتار با ارائهٔ شواهد تفصیلی از روایات به رویکرد اختلاف‌افکنی توسط اهل بیت(ع) در میان شیعیان پرداخته شد و این انگاره که اختلاف احادیث صرفاً بر اساس عملکرد راویان و بدون دخالت تعمدی معصومان رخ داده است، نقد و رد شد.

صدور جواب‌های گوناگون از ائمهٔ اطهار(ع) به سؤالات یکسان شیعیان در حکمت‌هایی ازجمله حفظ جان عموم شیعیان، حفظ مکانت علمی امامان شیعه، تفویض احکام و معارف و سوق شیعیان به کمال و رشد مطرح است.

نسبت تقیه به‌معنای موافقت با عامه با رویکرد اختلاف‌افکنی میان شیعیان دارای ماهیت‌هایی مستقل و نامربوط به یکدیگر است و وجوه تمایز متعددی میان آن‌ها وجود دارد، درحالی‌که در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، به‌غلط میان آن دو یکسان‌پنداری شده است.

محدث بحرانی با تعبیر به تقیهٔ اعم، اختلاف‌افکنی میان شیعیان را در ضمن تقیه تعریف کرده است، اما محقق بهبهانی با مختص‌کردن تقیه به موافقت با عامه، اشکالات متعددی را بر محدث بحرانی مطرح کرده است؛ اشکالاتی که توسط شیخ انصاری و سیدعلی سیستانی نقد شده است.

از منظر آیت‌الله سیستانی دلیلی بر انحصار روش اهل بیت(ع) برای دفع خوف و ضرر از شیعیان در

تقیه به‌معنای موافقت با عامه وجود ندارد و می‌توان از راهکارهای دیگر کتمان بهره جست.

## منابع

ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، علل الشرائع، محمدصادق بحرالعلوم، قم: کتاب‌فروشی داوری، ۱۳۸۵.

ــــــــــــــــ، معانی الأخبار، علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه، ۱۴۰۳ق.

ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن‌علی، تهذیب التهذیب، بیروت: دار صادر، ۱۳۲۵ق.

ابن‌قدامه، عبدالله‌بن‌احمد، المغنی، بی‌جا: دار الفکر، ۱۴۰۵ق.

ابوزهره، محمد، ابوحنیفه حیاته و عصره آراؤه و فقهه، قاهره: دار الفکر العربی، ۱۴۱۷ق.

اصفهانی، میرزامهدی، الإفتاء و التقلید المواهب السنیة الصوارم العقلیة، بی‌جا: نشر معارف اهل بیت الطاهرین، ۱۳۹۸.

انصاری، مرتضی‌بن‌محمدامین، فرائد الأصول، بی‌جا: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۸ق.

بحرانی، یوسف‌بن‌احمد، الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة، به تصحیح محمدتقی ایروانی و دیگران، قم: مؤسسهٔ نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق.

برقی، احمدبن‌محمدبن‌خالد، المحاسن، جلال‌الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.

بهبهانی، محمدباقربن‌محمداکمل، الفوائد الحائریة، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.

تبریزی، موسی‌بن‌جعفر، اوثق الوسائل فی شرح الرسائل، بی‌جا: کتبی نجفی، ۱۳۶۹.

حر عاملی، محمدبن‌حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، بی‌جا: آل‌البیت(ع)، ۱۴۰۹ق.

حکیم، محمدسعید، التنقیح، بی‌جا: مؤسسة الحکمة الثقافة الإسلامیة، ۱۴۳۱ق.

حلی، حسن‌بن‌سلیمان‌بن‌محمد و مظفر مشتاق، مختصر البصائر، قم: مؤسسهٔ نشر اسلامی، ۱۴۲۱ق.

سعدی، حسینعلی، «بازتبیین کارکرد تقیه در روایات امامیه و نقش آن در استنباط»، حدیث پژوهی، ۲۴، ۱۳۹۹، صص۲۵تا۴۸.

سیستانی، سیدعلی، بحوث فی مناسک الحج، بی‌جا: دار المورخ العربی، ۱۴۳۷ق.

ــــــــــــــــ، تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث، ترجمهٔ سیدهاشم هاشمی، بی‌جا: اسماعیلیان، ۱۳۹۸.

شافعی، محمدبن‌ادریس، الأم، بی‌جا: دار الفکر، ۱۴۰۳ق.

صاحب‌جواهر، محمدحسن‌بن‌باقر، جواهر الکلام، رضا استادی و و دیگران، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ق.

صفری، نعمت‌الله، نقش تقیه در استنباط، بی‌جا: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴ق.

صفار، محمدبن‌حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد(ص)، محسن‌بن‌عباسعلی کوچه‌باغی، قم: آیت‌الله

مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق.

طوسی، محمدبن‌حسن، تهذیب الأحکام، حسن خرسان و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة. ١٤٠٧ق.

فیض کاشانی، محمدبن‌شاه‌مرتضی، الوافی. علامه ضیاءالدین و فقیه ایمانی، اصفهان: امـام امیرالمـؤمنین علـی(ع)، ١٤٠٦ق.

کشی، محمدبن‌عمر، رجال الکشی، اختیار معرفة الرجال، مشهد: مؤسسهٔ نشر دانشگاه مشهد، ١٤٠٩ق.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، اصول کافی، ترجمـهٔ محمـود کتـابچی و دیگـران، بی‌جـا: کتاب‌فروشـی علمـی اسـلامی، ١٤٠٧ق.

مجلسی، محمدباقربن‌محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبـار الأئمـة الأطهـار(ع)، هدایت‌اللـه مسـترحمی و علی‌اکبر غفاری و دیگران، بیروت: دار إحیاء التراث العربي. ١٤٠٣ق.

میرحسینی، یحیی و علی باباخانی، «تطور تاریخی راه کارهای تحقق تقیّه در سیرهٔ ائمـهٔ شـیعه(ع)»، تـاریخ اسـلام، ۷۵، ۱۳۹۷، صص۱٤۹تا۱۷۸.

نوری، حسین‌بن‌محمدتقی، مستدرك الوسائل، بیروت: آل‌البیت، بی‌تا.